اربعین و غبطهٔ جاماندگان

شماره پرسش: ۴۰۴۸۲

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۴/۵/۳۱ ۲۳:۰۳:۱۴

متن پرسش

باز رد شد اربعین و باز من حسرت به دل. بار دیگر داشتم پایی و پا نگذاشتم در راه دل. استاد اربعینی دیگر گذشت و این بار هم لطف هم قدم شدن با زائران اربعینی نصیب بنده نشد. نمی‌دانم از بی لیاقتی و کم سعادتی بنده است یا از بی همتی و یا یکجور ترس درونی. نه ترس از گرما و ناملایمات و سختی راه که بی شک حس حضور همه را شیرین می کند. بلکه ترس از نوع ترسی که یکنفر شوق و اشتیاق دیدار یاری را دارد و ترس دارد که نکند بعد از دیدارش از شدت آن شوق و اشتیاق کاسته شود. هر وقت پیاده روی اربعین را از طریق تلویزیون دنبال می‌کنم از ته دل به راهیان پیاده روی اربعین غبطه می‌خورم. غبطه خوردن به حالشان یک حس و حال متعالی به بنده می‌دهد و می‌ترسم بعد از اینکه اولین بار راهی پیاده روی اربعین شدم دیگر این غبطه خوردن به سراغم نیاید. دوست دارم این غبطه خوردن را، دوست دارم اشکی را که به هنگام طلب هم قدم شدن با زائران اربعینی در چشمانم جمع می شود. نمی‌خواهم این اشتیاق سرد شود. نمی‌خواهم پیاده روی اربعین برایم به یک امر عادی تبدیل شود، دوست دارم طلب کردنش را از خدا. خواستم از جنابعالی سؤال کنم با این احوالاتی که این حقیر دارم بهتر است زودتر پیاده‌روی اربعین را تجربه کنم (البته اگر لطف خداوند شامل حالم شود و قسمت شود) یا اینکه به تعویق انداختن آن باعث بیشتر شدن عطش و یا معرفت نسبت به این پدیده می‌شود و چه بسا به تعویق انداختن آن برای بنده حقیر می‌تواند برکات بیشتری به همراه داشته باشد. التماس دعا استاد بزرگوار

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: البته غبطه خوردن در این امور، در جای خود ارزشمند است ولی تجربهٔ «حضور» امرِ دیگری است آن‌گاه که انسان نسبت خود را با حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» در جمع زائر و خادم، احساس می‌کند که چگونه هرکدام به نحوی به امامی نظر دارند که نهایت انسانیت را حتی با آنانی که قصد شهادت آن حضرت داشتند؛ نشان داده است. و حال مائیم و قدم به قدم به سوی او رفتن، تا با هر قدمی سیئه‌ای از جان‌مان زدوده شود و حسنه‌ای به میان آید و آرام‌آرام با نفیِ سیئه‌ها و پیش‌آمدنِ حسنه‌ها، نوعی هم‌سنخی ذیل آن حضرت در انسان پیش آید که این، احساسی است مخصوص به خود. و معلوم است غبطه‌خوردن از این حضور، خود نوعی حضور است. موفق باشید